

پرونده

روزنامه جوان از موج سینمای ضد خانواده گزارش می دهد

افشاح محتوایی فیلم‌های سینمایی ایرانی حاکمی از مدیریت ضعیف و منفعلانه سازمان سینمایی است

دیدگاه جواد محرمی

کتمان بیماری از سوی دستگاه متولی

هنرهای نمایشی و در رأس آنها سریال و فیلم فرهنگسازند.

اگر در کشور آمار طلا، بالاست، اگر پدیده موسوم به ازدواج سفید رواج دارد، اگر خانواده در معرض تهدید جدی است، تنها بخشی از آن به تهاجم فرهنگی دشمن باز می گردد و سهم کم کاری‌ها و سیاستگذاری‌های غلط داخلی در این روند غیر قابل کتمان است.

وقتی رهبر انقلاب از لزوم نگاه به درون سخن می گویند یک بعد این مطالبه قاعدتا این است که تولیدات فرهنگی داخل در جهت ارتقای فرهنگ ملی باشند اما وضعیت حاکم بر آثار نمایشی چه در سینما و چه در حوزه سریال سازی نشان می دهد متولیان به اصطلاح کار از دستشان در رفته و البته این اتفاق تازه‌ای نیست. اگر در دوره‌ای برخی مدیران دست کم درباره مباحث فرهنگی شعار می دادند، امروز دیگر حتی شعار هم سر داده نمی شود و گویی که زنگ خطر محتوای آثار برای مدیران هیچ وقت قرار نیست به صدا دربیاید.
بسا نگاهی عادی به سخنان حسین انتظامی به عنوان اصلی ترین مدیر و متولی سینما در دو سال گذشته به وضوح می توان دریافت که محتوای آثار اصلاً دغدغه این مدیر کلان جمهوری اسلامی نیست.

فکرش را بکنید مدیری که از او به طور عادی تحول و دگرگونی فرهنگی انتظار می رود، اصلی ترین شععارش شفافیت است که می تواند در بهترین حالت شعار یکی از مدیران اجرایی او باشد، یعنی مدیر ارشد سینمای کشور نمی داند که برای چه کاری روی صندلی مدیریت سینمای ایران نشسته است و وظیفه اصلی او چیست؟
وقتی وضعیت و نگاه از بالا اینگونه است، دیگر چه انتظاری می توان از رده های پایین تر سینمای ایران داشت. اینکده نویسندها و تهیه کنندہ‌های سینمای ایران باید با پشتوانه یک عزم مدیریتی دست به تولید محتوا بزنند، معادله پیچیدهای نمی خواهد اما شما ببینید مهم ترین دغدغه تولید کنندگان سینمای ایران دقیقاً چیست؟

سینمای ایران وقتی تهی از راهبرد و مانیفست مشخص طی طریق می کند، نتیجه اش می شود همین آثار میسجم محتوایی که شاهد آن هستیم.

اگر در امریکا پدیده‌ای به نام سینمای مستقل خارج از راهبردهای مشخص دست به فیلمسازی می زند و برای خود اعتباری دارد، در سینمای ایران گویی همه چیز مستقل از یکدیگر کار می کند. اصلی ترین دستگاه نگاه کمیتمی متولی سینما در انفعال کامل به سر می برد و ماجرا آنقدر تراژیک است که حتی در رد ا احساس نمی کند. وقتی قوای حسی یک دستگاه در مواجهه با عوامل و آفت‌های بیرونی بی حس یا به تعبیری لمس شد و دیگر از آنچه بر سرش می رود، درکی ندارد، یعنی وضعیت به فاجعه نزدیک شده است.

فکر کنید فردی دچار یک بیماری از درون است و خودش از آن خبر ندارد و معلوم است این بی خبری می تواند چه عواقبی برای او دربرداشته باشد، وضعیت سینمای ایران در چنین حالتی قرار دارد. شما اگر از حسین انتظامی بپرسید تا به حال چه تمهیداتی برای مشکلات سینمای ایران اندیشیده اید به احتمال زیاد از شفافیت مالی سخن خواهد گفت و اصل ماجرا را کتمان خواهد کرد. اینکده آثار سینمایی ما به شدت ضدفرهنگ هستند، کانون خانواده را به سمت آشوب می برند، روی نقاط منفی انگشت می گذارند و آنها را تکثیر می کنند و گسترش می دهند و الگوهای رفتاری مثبت در سینمای ایران جایی ندارند، مسائلی است که سازمان سینمایی و البته رسانه ملی باید برای آن فکری بکنند اما اتفاقی که در عمل در حال رخ دادن است، انفعال بی و خیاالی محض است.

مدیران فرهنگی ما واقعاً فکر می کنند قرار است چه چیزی را مدیریت کنند؟
بعید است بدانند و ما در مرحله عدم درک وظایف و تکالیف از سوی مدیران بالادستی متوقف مانده ایم.

پادداشت

محمد صادقی

یک بررسی تاریخی از فیلمسازی در هالیوود از دهه ۶۰ تا دهه ۸۰ میلادی که دور ه ۲۰ساله را در بر می گیرد، نشان داد ارزش های خانواده دچار تغییراتی شده است و در یک مسیر فیلمسازی روابط خانوادگی از زوال تا بازگشت به ارزش های خانواده دیده می شود. ما اکنون در دورانی هستیم که دست کم بخشی از سینمای هالیوود خود را منادی ارزش های خانواده امریکایی می داند و در فیلم های خانوادگی، نهاد خانواده به عنوان یک اصل مهم دیده می شود. یک انجمن مادران در امریکا در معرفی فیلم های خانوادگی به این نکته اشاره می کند که «فیلم هایی که اهمیت خانواده را به ما یادآوری می کنند راهی عالی برای اختصاص وقت برای تأمل در معنای خانواده های ما هستند. فقط با یک کلمه، و آنها یک رست یا یک صفحه می توان گفت وگویی خوبی را شروع کرد و هدف آن است که از طریق آنها به خانواده خود آموزش دهیم. با استفاده از این فیلم ها می توانید از وقت صرف شده با خانواده خود نهایت استفاده را ببرید و پیامی از عشق، وفاداری و همبستگی را به اشتراک بگذارید.»

این انجمن همچنین به خانواده ها توصیه می کند که «چرا در آخر هفته ها با خانواده به تماشای یک فیلم نمی نشینید که در آن فرصتی به شما داده می شود که در مورد عشق، احترام و اهمیت خانواده تأمل کنید؟»

نیویورک تایمز در سال ۱۹۹۲ در مقاله ای از توجه سالن های سینما به پخش فیلم های خانوادگی می نویسد و بر این نکته صحه می گذارد که هیچ کس در امریکا منکر تولید فیلم های دارای صحنه های غیر اخلاقی و خشونت نیست، اما کمپانی های فیلمسازی به دلایل اقتصادی به دنبال



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی

سر دبیر: غلامرضا صادقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری

تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴

سازمان آگهی ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴

روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۱۹۴۱۹۸۸۸۲

چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۲ | چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۹ | ۲۰ محرم ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۲ | غروب آفتاب: ۱۹:۴۰ | اذان مغرب: ۱۹:۳۸ | نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۹ | اذان صبح فردا: ۵:۱۸ | طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۲ |

حکمت

امام زین العابدین(ع):

خداوند، مؤمن گنهکار توبه کننده را دوست دارد.

الطبقات الکبری: ج ۵، ص ۲۱۹

جنگ سینمایی با خانواده ایرانی!

فقط کافی است به سیاهه فیلمسازانی که در ۶ سال اخیر مشمول حمایت های هنگفت دولتی شده اند نگاهی بیندازیم تا مشخص شود سینمای خانوادگی چقدر مهجور است



هادی خدادوست

سینمایی که قهرمان پردازی و داستان پردازی را سرکوب می کند چاره ای ندارد که به دام مبنی مال هایی بفتند که جز تصاویری تیره و نه ایثا خاکستری از آدم هایی منفعل ارائه نکنند؛ اینکه چه کسی و با چه دستور کاری قهرمان پردازی را سرکوب کرد به امروز و دیروز باز نمی گردد و برای غور بر عاملان باید به دهه ۶۰ برویم، یعنی زمانی که بانیان سینمای گلخانه ای روی کار بوده اند.

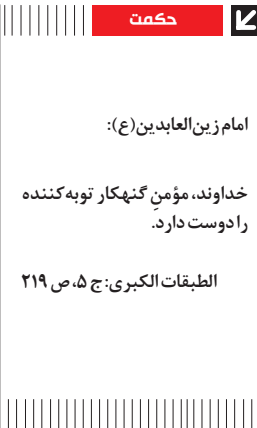
بانیان سینمای گلخانه ای در اشتباهی مهلک و به جای استفاده از ظرفیت سینمای قهرمان پردازه عامه پسند تا توانستند سینمای قهرمانانه را بایکوت کردند و فعالان این سینما را به انجای مختلف تحقیر کردند تا رفته رفته سینمای قهرمان پردازی که امید می داد و آرامش جز به شکل جعلی در آثار مبتذل حیات نداشته باشد و به جایش آثار روشنگر نمایانه ای بر صدر نشستند که اغلب حتی از روایت یک داستان ساده هم عاجز بودند.

آن پایه های کج و معوج بود که سینمای ایران را از استانه ۱۴۰۰ به وادی فیلم های ضد خانواده انداخت، فیلم ها و سریال های است که نه تنها داستان پردازی قدرتمندی ندارند بلکه با پایان های باز و فقدان شخصیت پردازی دقیق فقط رگه هایی از سینمای حرفه ای را پیش رو می گذارند.

اگر کمدی های به اصطلاح خالتور را کنار بگذاریم در همین شش ماه اخیر فیلم های مختلفی در اکران آنلاین یا سینماها روی پرده رفته اند که همگی در یک کلیدوازه که نداشتن روایت داستانی اخلاقی و در عین حال منسجم است، مشترکند. «مهمخانه ماه نو»، «تبع و ترمه»، «بهت»، «لنثیان» و «هفت و نیم» از جمله آثار سینمایی هستند که هیچ یک نه تنها قهرمان ندارند که تصویری کدر از مختصات زندگی ایران و ایرانی ارائه می دهند.

ننزل دادن مادر ایرانی!

فقط تصور کنید یکی از این آثار فیلمی است که مادر ایرانی را در حد یک فاحشه ننزل داده و دیگری فیلمی است که لهله زدن چند زن ایرانی اعم از متأهل تا مجرد را برای مردی از فرنگ برگشته تصویر می کند. فیلمی دیگر- که رضا برادران افغانی تولید کرده اند و همه جوره



بدعتی فقط کپی کاری را بلدند.

■ **موج شخصیت های منفعل و بی هویت**
فقط کافی است به سیاهه فیلمسازی که در شش سال اخیر مشمول حمایت های هنگفت دولتی شده اند، نگاهی بیندازیم تا مشخص شود سینمای خانوادگی چقدر مهجور است. متأسفانه مدیران سینمای حتی اگر از فیلم ژانر جنگ یا تاریخی حمایت می کنند به جای قهرمان پردازی یکسری پرسوناژ منفعل گرفتار موج انفعال یا شخصیت هایی درگیر انتحار را در برابر مخاطب می گذارند.

مدیریت فعلی، معلول مدیریت دهه ۶۰ است و ساختاری که برای سینمای ایران چیدند، چنان تثبیت پیدا کرده که اگر همین حالا وارد شوره ای بزرگ ترین و پرزه پنه ترین زیرمجموعه دولتی سینما شوید، باید با کارشناسی سرو کله بزنید که همچنان مدعی هستند ایرادی ندارد، سینمای فرهنگی مخاطب نداشته باشد!

چنین کارشناسی در هیچ جای دنیا به منصب تصمصم گیری نمی رسند، چون هیچ گاه نتوانسته اند جز در ساختارهای هزینه رای دولتی، مشقی کرده و خود را نشان دهند. صدقاً می خواهید، یک مدیر میانی دهه ۶۰ اخیراً فیلمی تولید کرد که بعد از دو سال پشت خط اکران ماندن نتوانست حتی هزینه ناها را عوامل را از گیشه استحصا کند و آن مدیر هم در توجیه ضعف ها و زمین و زمان را به هم دوخت و مدعی شد چون فیلم فرهنگی ساخته، تحویلش نگرفته اند.

فیلم فرهنگی یعنی چه برادر؟ فیلم هنر و تجربه یعنی چه برادر؟ کدام هنرمندی است که با این نیت فیلم بسازد که مخاطب نداشته باشد؟ با اینکه برخی آثار تأمل بیشتری برای ارتباط می خواهند، کاری نداریم ولی گاف های روایی فراوان یک فیلمساز پیشکسوت که مادر ایرانی را به لجن کشیده ولی جهت بالاس و حتی مبتنی بر الگوهای کلاسیک روایت، یک مادر مثبت را نشان نداده، کجای دلمان بگیرد؟ اگر این فیلم های ضد خانواده را به سرریال های این سال های مان از ساختن قهرمان عاجزند و اگر با انبوه آثاری مواجهیم که یک تصویر تازه و حسنه از خانواده و سلوک پسندیده بین خانواده ای ارائه نمی کنند، بلاشک دهه های بعد از ولی اصلی ترین دلیلش، همان مدیرانی هستند که همه جوره سینما را در چنگ خود گرفته اند ولی توانایی خط دهی به جریانی را ندارند که ولو در تمرکز می کردند و اتفاق حساسی هم مخاطب جلب کردند، چه آورد. سازندگان چنین آثاری مدت ها گرفتار بیکاری یا کم کاری تحمیلی شدند و آنقدر زجر کشیدند که به دیار باقی خرد پیرنگ هایی که پر از ادابازی (!) هستند بر صدر بنشینند.

این سال ها هر چند مدیران سینمایی هیچ فیلمسازی را به خاطر ارائه تصویر قهرمانانه از مرد یا زن ایرانی، بایکوت یا ممنوع فعالیت نمی کنند ولی باز به سان سده دهه قبل آنقدر این فیلمسازان را در انزوا قرار می دهند و حداقل حمایت ها را نصیبشان نمی کنند تا راه باز باشد برای ارتکاز بی مینی مال سازی که حتی در همان حیطه کاری خوارن نیز بی کمترین



گزارش

وقتی فیلم ها اخلاق را ترور می کنند

افشین علبار

سینمای ایران در دهه ۹۰ به خصوص در یکی دو سال اخیر تغییرات بنیادینی کرده، این تغییرات گاه ضدعرف و ضدخاستگاه جامعه بوده است، به طوری که انگار برخی نویسندگان و کارگردانان ایرانی هیچ تگرش و نگاهی به ساختار اجتماعی و نوع زندگی کنشوران ندارند، بنابراین راجع آتارشان هیچ ربط مناسبی به شرایط و اصول غلط و الگوپردازی از شبکه های ماهواره ای به خصوص «ج» یا دیگر شبکه ها رفتارهای غلط را به تصویر تبدیل می کنند. اساساً فیلمسازان ما تقلید از هجویات و تگرش غلط را به عنوان سرگرمی به مخاطب تزریق می کنند، این عملکرد به تدریج می تواند بحران های خانوادگی را تشدید کند، اگر چه از چند سال گذشته از طریق روزنامه

و تلویزیون به خانواده ها هشدار داده شده که دیدن سریال های ماهواره ای برای مخاطب مغرب است اما این روزها فیلم هایی می بینیم که مصداق همان سریال های هستند که ولنگاری خانوادگی و اجتماعی را ترویج می کنند، اخیراً چند فیلم اکران آنلاین شده که اساساً نمونه باز بی اخلاقی اجتماعی و فرهنگی است. در این یادداشت ورودی به اجرا و ساختار سینمایی فیلم ها نداریم و نگارنده بیشتر تلاش می کند ابعاد قسه را واکاوی کند، البته اینکه وزارت ارشاد و سازمان سینمایی چگونه به فیلم های مثل «لنثیان»، «هفت و نیم» یا «بنفشه آفریقایی» اجازه ساخت می دهد یا بعد از آن اجازه نمایش، جای سؤال دارد، به عقب بر برگردیم، چه کسی یا کسانی سفارش ساخت چنین فیلم هایی را می دهند که این مسئله باید بررسی و شفاف سازی شود.

بنفشه آفریقایی

بنفشه آفریقایی سومین فیلمی است که این روزها اکران آنلاین شده و اساساً اثری است که درک آن سخت است، چرا؟ یکی از ارکان مهم جامعه ایرانی غیرت مردانه اش است و دیگری عنصر مهمی به نام خانواده، بنفشه آفریقایی اثری است ضدغیرت و ضدخانواده و فیلمساز با ذکر اینکه این داستان واقعی است، آن را ساخته است اما خوب واقع گرای همیشه نکته مثبتی محسوب نمی شود، اینکه یک زن با همسر سابق و فانی اش در یک خانه زندگی کند و در این میان احساسات عجیب و غریبی هم در رفتار آنها موج بزند و همسر فعلی خودش را با شرایط به وجود آمده، وفق بدهد، نه تنها انسانیت و نیکوکاری نیست بلکه یک رفتار ضدعرف و ضدفرهنگی است که مطابقتی با جامعه ما ندارد، خیال انگیزی فیلمساز در شکل گیری یک داستان واقع گرایانه موجب ترویج ولنگاری و بی بندباری در خانواده می شود. فیلمساز

تفت و گو

عباس رافعی: سراغ خط قرمزها می روند تا ضعف هایشان دیده نشود!

تشبیه سینمای ایران به کسی که برای دیده شدن لخت به خیابان می آید!



محمدصادق عابدینی

یورنگ کردن معضلات اخلاقی و عادی نشان دادن آنها در چند فیلم سینمایی، نشانه ای از تلاش فیلمساز برای پنهان کردن ضعف های ساختاری و درام فیلم است. عباس رافعی، فیلمساز و کارشناس سینما در گفت و گوبا «جوان»، می گوید: برخی از فیلمسازها وقتی در درام و داستان کم می آورند، سراغ موضوعات خط قرمزی می روند و چیزی را بیان می کنند که با استفاده از آن ضعف های فیلم کمتر به چشم بیاید.

رافعی می گوید: این فیلمسازها طوری سراغ مسائل اخلاقی می روند که وقتی داستان یک خطی فیلم را برای کسی تعریف کنند، شنونده بگوید «حتماً باید این فیلم را ببینم»، در حالی که این فیلم ها آنقدر از لحاظ ساختاری ضعیف هستند که نه از سوی منتقدان ساختاری و نه از سوی منتقدان فنی که به سینما می اندیشند، با استقبال مواجه نمی شوند و توجهی را به خود جلب نمی کنند.

وی با تأکید بر اینکه نگاه فیلمساز به جامعه نوع فیلمسازی وی را مشخص می کند، می افزاید: پرداختن به موضوعات خط قرمزی از سوی یک فیلمساز با نگاه نخبه‌پناه می تواند به رفع معضلات کمک کند.

رافعی با اشاره به اینکه در میان فیلم هایی که صرفاً به بیان معضلات اخلاقی برای دیده شدن می پردازند، هیچ فیلم خاصی وجود ندارد، می گوید: این فیلم ها مانند آن است که یک نفر لخت به خیابان بیاید، قطعاً این اقدام باعث دیده شدن آن می شود و واکنش های منفی و مثبتی به آن می شود. فیلمساز هم با این کار

می خواهد تا موضوعات سوءاستفاده کند تا دیده شود.

این فیلمساز در پاسخ به سؤال «جوان» که چرا سازمان سینمایی با صدور مجوز نمایش چنین فیلم هایی به دیده شدن آنها کمک می کند، می گوید: قطعاً این کار از سوی فیلمسازان گمنامی که این کارها را تولید می کنند برنمی آید، باید دید که چه کسی در پشت این فیلم هاست که توانسته با رانتی که دارد مجوز اکران برای این فیلم ها بگیرد.

رافعی با اشاره به یکی از فیلم های در حال اکران می گوید: همسر کارگردان فیلم که تهیه کنندگی آن را برعهده دارد، سال ها یکی از داوران جشنوارهای مختلف بوده و با سیستم نظارت آشنایی دارد، او که خودش در فارابی نیز سابقه مدیریت و تصمیم گیری دارد، توانسته برای فیلم همسرش لابی و از زیر نظر نظارت ارشاد آن را رد کند، بخشی از وضعیت ناشی از پخش فیلم هایی با موضوعات غیر اخلاقی حاصل ساخت و پاخت با مدیران ارشاد است.